

مدیریت دانش در سیره امام صادق(ع)

محمد علوی(عادل)^۱

چکیده

نقش تأثیر گزار دانش در زندگی انسان بر هیچ کسی پوشیده نیست چرا که دانش باعث پیشرفت انسان ها در سطوح سه گانه (فردی، گروهی و سازمانی) می گردد. البته اگر بخوبی مدیریت نشود کارایی و اثر بخشی لازم را نخواهد داشت. این پژوهش با هدف دست یابی به الگوی مناسب مدیریت دانش انجام شده است. با توجه به یافته های این تحقیق که عناصر و ارکان اصلی مدیریت دانش در سیره امام صادق(ع) را بخوبی نشان می دهند از نظر این پژوهش سیره امام صادق علیه السلام در زمینه مدیریت دانش می تواند بهترین الگو باشد. به همین جهت در نوشته پیشرو با استفاده از روش تحقیق «توصیفی - تحلیلی» و جمع آوری داده ها به روش کتابخانه ای به منابع که بیانگر سیره امام صادق(ع) در زمینه مدیریت دانش است مراجعه و عناصر بنیادین مدیریت دانش مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفته است که در نهایت با توجه به آن عناصر الگویی مفهومی از مدیریت دانش در سیره امام صادق علیه السلام ارائه شده است.

واژگان کلیدی

امام صادق(ع)، دانش، مدیریت دانش، سیره، عناصر، الگو.

مقدمه

رویکردهای متعددی تا کنون در عرصه مدیریت بوجود آمده اند اما به تدریج پس از اندک زمانی دست خوش تغییر شده اند (پتر سنگه و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۷۸) رویکرد های مانند: نظریه مدیریت علمی، مدیریت استراتژیک، مدیریت مبتنی بر هدف، برنامه ریزی و بودجه بندی برنامه ی، سازمان ماتریس، توسعه سازمان و....، اخیرا مدیریت دانش (مهر علی زاده، ۱۳۸۴: ۴۶) به همین دلیل امروزه بسیاری از سازمان ها حجم عظیمی از توان و تمرکز خود را از طریق توسعه ابزارها، سیستم ها و آگاه ساختن کارکنان خود در مورد این موضوع که کسب و انتشار دانش به عنوان یک وظیفه مهم سازمانی است به کار می برند (تافلر، ۱۳۸۴: ۶۸)

گرچه بحث دانش موضوع تازه ای نیست ولی مدیریت دانش به صورت نوین آن از دهه ۹۰ میلادی مورد توجه قرار گرفته و از آن زمان تاکنون یکی از مباحث قابل توجه در مدیریت بوده است و بسیار از نویسندگان مانند پترسنگه، پتردراکر، آلوین تافلر، نوناکا و تاکیوچی و... بر اهمیت توجه هوشمندانه به دانش تأکید کرده اند (غنی زاده، ۱۳۸۵: ۸۶)

می توان گفت هنوز بحث مدیریت دانش در مرحله تکامل اولیه خود است مدیران زیادی وجود دارند که هنوز در این مورد که در نهایت چشم انداز و سر نوشت مدیریت دانش چه خواهد بود مطمئن نیستند (وندی آر وهمکاران، ۱۳۹۳: ۲۶) به همین دلیل این شاخه ی از علم مدیریت نیازمند مطالعات و پژوهش های فراوانی است به خصوص در حوزه مدیریت اسلامی که این نیازمندی بسیار جدی است. اینکه اصولا مدیریت دانش در مدیریت اسلامی وجود دارد یا نه؟ و اینکه آیا می توان از آموزه های دینی به الگویی از مدیریت دانش رسید؟ و آیا ارکان مدیریت دانش رایج، در سیره

معصومین(ع) قابل تطبیق است یا نه؟ سئوالاتی است که باید پاسخ داده شود. به همین دلیل در نوشته پیشرو تلاش شده است که مدیریت دانش در سیره امام صادق(ع) به منظور استنباط و استخراج الگویی از مدیریت دانش مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱. تعریف واژه ها

قبل از توضیح مفهوم دانش لازم است که در باره "داده"، "اطلاعات" و "دانش" مختصر توضیحی داده شود زیرا که مفاهیم «داده» و «اطلاعات» کم و بیش القا کننده‌ی مفهوم دانش هستند ازینرو لازم است بین آن ها تفاوت قائل شویم.

۱.۱. داده

داده ها الفاظ و اعداد بدون معنی و شامل مقیاس های مستقل، مشخصه ها، وعلائم اند (قلیج لی، ۱۳۸۸: ۱۰) به عبارت دیگر داده شامل واقعیت های ساده ای است. یعنی داده ماده اولیه و خام تولید اطلاعات است که به خودی خود حاصل هیچ گونه معنی، تفسیر و قضاوتی نمی باشد (مهر علی زاده، ۱۳۸۸: ۱۱)

۱.۲. اطلاعات

اطلاعات محتوایی است که داد های تجزیه تحلیل و طبقه بندی شده را نشان می دهد (قلیج لی، ۱۳۸۸: ۸) به عبارت دیگر اطلاعات گونه ای از داده های مرتب شده، تجزیه و تحلیل گردیده و سپس نمایش داده شده می باشد (مهر علی زاده، ۱۳۸۸: ۸) یعنی بعد از اینکه داده ها جمع آوری و آن ها تجزیه تحلیل شد آن وقت تبدیل به اطلاعات می گردد.

۱.۳. دانش

برداشت ها از دانش نزد اندیشمندان متفاوت است به گونه ی که بعضی واقعیات و اطلاعات

اطراف و بعض دیگر دانستی ها و آگاهی های انجام کاری را دانش می نامند. فرهنگ وبستر دانش را به عنوان واقعیت یا شرایط دانستن چیزی از طریق تجربه یا همکاری تعریف می کند. تعریف عمومی دانش عبارت است از: «ایده ها یا آگاهی های که فرد مالک آن است و برای عمل مؤثر و تحقق هدفی مورد استفاده قرار می گیرد» (مهر علی زاده، ۱۳۸۸: ۸) بنا بر این در تحقیق پیشرو منظور از «دانش» توانمندی ها، مهارتها و ایده های کار آمد است که انسان را در تحقق هدفش یاری می رساند.

۲. مدیریت دانش چیست؟

تعریف جامع از مدیریت دانش مشکل است زیرا تعریف آن به اندازه ای وسیع است که تقریباً هر چیزی که اجازه درک مفاهیمی را بدهد که فرد برای کار کردن اثر بخش در این جهان می تواند انجام دهد می تواند مدیریت دانش نامیده شود (احمدی و صالحی، بی تا: ۵۵) ازینرو تعاریف متعددی از مدیریت دانش ارائه شده است. به عنوان مثال برخی اندیشمندان گفته اند: مدیریت دانش بیانگر تلاشی برای جبران خسارت های گذشته و یک بیمه نامه برای مقابله با از دست دادن حافظه سازمانی در آینده است (وندی آر و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۴)

برخی دیگر مدیریت دانش را تلفیقی از کسب و ذخیره سازی دانش آشکار همراه با مدیریت سرمایه های فکری می داند. برخی دیگر مدیریت دانش را به یافتن راهی جهت خلق، شناسایی، شکار و توزیع دانش سازمانی به افراد نیازمند (عبدالکریمی، ۱۳۸۲: ۳۸) تعریف کرده اند. برخی دیگر مدیریت دانش را فرایندی می داند که مشارکت همگانی در دانش، نشر و بازیابی آموزش را در ارتباط با جنبش نرم افزاری و تولید علم طراحی و اجرا می کند (جواربچی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۷۸)

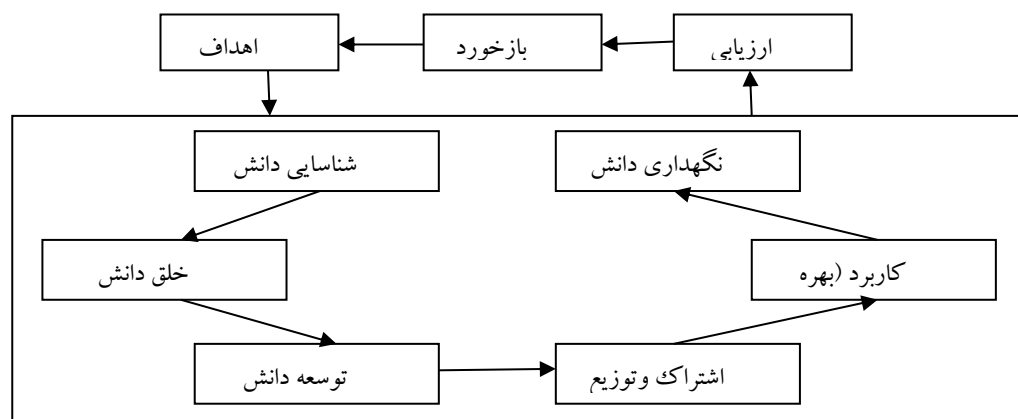
تعریف برگزیده

با توجه به تعاریف فوق از مدیریت دانش در یک جمع بندی می توان گفت مدیریت دانش عبارت از: «کوشش برای شناسایی، ایجاد، توسعه، انتقال، توزیع، نگهداری، بهره گیری و کاربرد دانش

که نتیجه آن تولید علم و نو آوری، تربیت دانشجویان کارآمد و دلسوز برای خدمات فرهنگی و اجتماعی جامعه می باشد»

۳. عناصر بنیادین مدیریت دانش در سیره امام صادق(ع)

در شکل ذیل به عناصر بنیادین مدیریت دانش اشاره شده است این عناصر را از این جهت بنیادین می نامیم که حوزه های را فراهم می سازند که در آنجا مدیریت فعال دانش امکان پذیر می گردد (گیلبرت پروست و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۰) عناصر بنیادین مدیریت دانش در بردارنده ی فعالیت های هستند که این فعالیت ها بدون استثنا و مستقیما با دانش در ارتباط اند. وقتی ما به سیره حضرت امام جعفر صادق(ع) مراجعه می کنیم این عناصر به خوبی در آنجا دیده می شود.



شکل عناصر بنیادین مدیریت دانش برگرفته از (گیلبرت پروست: ص ۵۰)

تبیین شکل

در ذیل عناصر که در شکل فوق آمده است هر کدام به صورت جداگانه به صورت تفصیلی در سیره امام صادق(ع) مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

۳,۱. اهداف دانش در سیره امام صادق(ع)

یکی از وظایف اصلی مدیریت تعریف هدف است تا از این طریق به فرایندهای اساسی سازمان جهت بدهد. در واقع این اهداف (در سطح فردی، گروهی، و سازمانی) است که جهت کلی را مشخص می کنند جهتی که فعالیت های سازمان در آن توسعه می یابد. اهداف اساسا با تحت تأثیر قرارداد رفتار کارکنان این عمل را انجام می دهد (گیلبرد پروست و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۶) در بیشتر سازمان ها جنبه دانش سازمان اغلب نادیده گرفته می شود، اما در سیره امام صادق (ع) به خوبی دیده می شود. زیرا اساسا یکی از رسالت های اصلی پیامبر اسلام (ص) مسئله آموزش و چگونگی مدیریت آن است.

بر اساس بنیاد شیعه این مسئولیت خطیر بعد از پیامبر اسلام (ص) بر عهده جانشینان بر حق آن حضرت (ص) یعنی امامان معصوم علیهم السلام است، امامان شیعه (ع) گرچه همگی از نور واحدند و از این زاویه هیچ تفاوتی بین آن ها نیست ولی با توجه به اوضاع و شرایط حاکم بر محیط، هر یک از امامان وضعیت خاصی خود شان را داشته است که در این بین امام صادق (ع) توانسته اند جوانب مختلف معارف قرآن کریم و سنت نبوی و سیره علوی را آموزش و نشر داده و نظام جامع مدیریت دانش را به بشریت ارائه دهند. آن حضرت هدف از مدیریت خود در حوزه دانش را تربیت، هدایت و آگاهی بخشیدن به جامعه از طریق آموزش افراد و خدمات فرهنگی _ اجتماعی می داند.

۳,۲. شناسایی دانش در سیره امام صادق(ع)

مدیر باید دانش های مورد نیاز سازمان خود را شناسایی نماید و در صدد مدیریت آن ها باشد. زیرا از طرفی علم انسان های معمولی هر قدر هم که زیاد باشد بسیار محدود است و از طرفی دیگر حجم دانش با سرعت فراوانی در حال افزایش است و محتوای آن روز به روز تخصصی تر می شود که این امر مستلزم شناسایی و مدیریت دانش های مورد نیاز سازمان است. این مسئله یکی از اموری

است که در سیره امام صادق(ع) به خوبی به چشم می آید مثل آنجا که فرمودند: «العالم بزمانه لا تهجمُ علیه اللوابس» (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۲۶) این حدیث حضرت به خوبی به ما بیان می کند که یک مدیر باید زمان شناس باشد و به این نکته توجه داشته باشد که در هر شرایط و زمانی چه دانش های در سازمان شان مورد نیاز است؟ و کدام بخش ها بیشتر نیازمند این امر است؟ یعنی یک مدیر با بصیرت در همه زمان ها باید هم پای زمان رشد داشته باشد و از تغییرات زمان اطلاع داشته باشد تا بتواند در محیط رقابتی امروزه به حیات سازمانی خود ادامه دهد.

۳,۳. خلق دانش در سیره امام صادق(ع)

خلق دانش به فعالیت های نظیر کسب دانش (آموزش)، تجزیه و تحلیل دانش، ترکیب دانش و سازماندهی دانش اشاره دارد. خلق دانش از طریق نو آوری های افراد به منظور بهبود روش های کار، مباحثه منطقی در باره دانش موجود و..اتفاق می افتد (قلیچ لی، ۱۳۸۸ : ۶۱) با توجه به این نکته که دانش بشری روز به روز در حال تغییر، تحول و پیشرفت است همه ما به عنوان یک انسان سازمانی نیازمند به کسب دانش های جدید هستیم تا بتوانیم در دنیای (محیط) پر از رقابت در حیات خود ادامه دهیم. در سیره امام صادق(ع) توجه ویژه بر خلق(آموزش) دانش شده است. با توجه به اینکه امام صادق(ع) در طول دوران زندگانی خود با پنج تن از خلفای اموی و دو تن از خلفای بنی عباس معاصر بود (مسعودی، ۳، ۱۳۷۴ : ۲۹۷) این وضعیت دست بدست شدن حکومت یعنی فروپاشی حکومت امویان از طرفی و شکل گیری دولت عباسیان از طرفی دیگر فرصتی کافی برای خلق و نشر علوم، احکام شرع و تعالیم نبوی فراهم کرده بود.

امام صادق(ع) با استفاده از این فرصت اقدام به تأسیس دانشگاه چهار هزار نفری در رشته های مختلف نمودن و متخصصین بسیاری در رشته های کلام، فقه، حدیث، طب، شیمی و... تربیت کرد.

(خطیبی، ۱۳۸۶: ۱۴۰) اصول چهارصدگانه حدیث و معارف اسلامی که تنها منبع اصلی و اصیل کتاب های معتبر چهارگانه «کافی شیخ کلینی، من لایحضره الفقیه صدوق و تهذیب و استبصار شیخ طوسی» است محصول مستقیم شاگردان با کفایت امام صادق(ع) بوده است (عقیقی بخشایشی، ۱۳۶۱: ۱۹) بدین صورت بود که امام صادق(ع) در بیشتر زمینه های علمی و در رشته های مختلف به تولید و خلق دانش های مورد نیاز جامعه پرداخت.

۳,۴. توسعه دانش در سیره امام صادق(ع)

توسعه دانش که می تواند از طریق منابع بیرونی بدست بیاید، یکی از مهم ترین عناصر بنیادی مدیریت دانش است و بر توسعه ی مهارت های جدید، تولیدات جدید، ایده های بهتر و فرایندهای کارآمدتر متمرکز است. توسعه دانش شامل همه آن دسته از تلاش های مدیریتی می شود که سازمان از طریق آن ها آگاهانه تلاش می کند تا به کسب قابلیت های پردازد که خود فاقد آن ها است (گیلبرت پروست وهمکاران، ۱۳۸۵: ۱۶۴) توسعه دانش از گفتگو و مباحثه بین افراد بوجود می آید. این روش در سیره امام صادق(ع) به خوبی مشاهده می شود. زیرا ما در سیره آن حضرت شاهدیم که هزاران پژوهشگر مشتاق در رشته های گوناگون از محضر آن امام همام بهره گرفته اند. تاجایکه تعداد شاگردان ایشان را تا چهار هزارتن دانسته اند و تنها از جواب سوال هایی که از آن حضرت می شد، چهار صد رساله نگارش یافته است (محقق حلی، بی تا، ۱: ۲۶)

بعضی از شاگردان امام صادق(ع) خود دارای آثار علمی و شاگردان متعددی بوده اند. به عنوان نمونه می توان به هشام بن حکم که سی و یک جلد کتاب نوشته (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶: ۲۲۹) و جابر بن حیان که بیش از دویست جلد کتاب در زمینه های گوناگون به خصوص رشته های علوم عقلی، طبیعی، فیزیکی و شیمی تصنیف کرده بود (ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۵۱۷، ۵۱۲) اشاره کرد حتی بسیاری از

متفکران غیر مسلمان نیز برای مذاکره علمی با امام به خدمتش می رسیدند و حضرت به میزان سطح درک و علمشان پاسخ می گفتند (اکبری، ۱۳۷۸: ۲۱) ازینرو می توان گفت امام صادق(ع) نهضت بزرگ تولید و توسعه علم را برای تعمیق بیداری اسلامی و معرفی تعالی ناب محمدی(ص) ایجاد کرد.

۳,۵. اشتراک و توزیع دانش در سیره امام صادق(ع)

اشتراک و تسهیم (توزیع) دانش به فعالیت های نظیر هماهنگی . یعنی تشکیل تیم های همکاری برای ایجاد شبکه ارتباطی _ تجمیع و دسترسی و بازیابی دانش اشاره دارد (قلیچ لی، ۱۳۸۸: ۶۴) اشتراک و تسهیم دانش دایم در سطوح مختلف یک سازمان اتفاق می افتد: بین افراد، از افراد به گروه ها، بین گروه ها، و از گروه ها به سازمان و...، این مسئله چیزی است که در سیره امام صادق(ع) به خوبی دیده می شود. زیرا یکی از ابزارهای کارآمد مسلمانان بویژه شیعیان در دفاع از مبانی و اصول آیین اسلام در طول تاریخ دین، بحث و مناظره با مخالفان بوده است. درجای امام صادق(ع) به گروهی از یاران خود فرمود: «با مخالفان خود احتجاج کنید و راه هدایتی را که شما بر آن هستید برایشان تبیین کنید و با آنان درباره ولایت و وصایت علی(ع) مباحثه کنید (مفید، ۱۴۱۳: ۷۱) امام(ع) در تربیت نیروهای متخصص، هدایت و سازماندهی مناظرات و احتجاجات کلامی، نقش خود را به خوبی ایفا کردند و از این طریق به تسهیم(اشتراک گذاری) و توزیع دانش مبادرت نمودند که نتیجه آن پرورش شاگردان متخصص در حوزه های مختلف علوم شد که امام صادق(ع) با توجه به تخصص هرتیم و هر نفر آن ها را برای مناظره و بحث معرفی می کرد.

۳,۶. کاربرد دانش در سیره امام صادق(ع)

کاربرد دانش به فعالیت های نظیر انجام وظایف محوله با استفاده از دانش کسب شده، اتخاذ تصمیم گیری های خوب، و نیز به تجزیه و تحلیل وضعیت موجود با استفاده از دانش کسب شده و... اشاره دارد (قلیچ لی، ۱۳۸۸: ۶۷) یکی از عملکرد های مدیریت دانش این است که تضمین نماید که سازمان از دانسته های خود استفاده می کند. این امر در سیره امام صادق(ع) به خوبی مشاهده می شود از جمله آنجا که می فرمایند: «ان العالم اذا لم يعمل بعلمه زلت موعظته عن القلوب كما يزل المطر عن الصفا» و نیز این روایت که می فرمایند: «كونوا دعاة للناس بالخيرِ بغيرِ السنتكم ليروا منكم الاجتهاد والصدق والورع» و روایت دیگر که در آن می فرمایند: «رحم الله قوماً كانوا سراجاً ومَناراً كانوا دعاةً الينا باعمالهم ومجهودِ طاقتهم» (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۴۴) این احادیث به خوبی به ما بیان می کند دانش آنوقت مؤثر خواهد بود که توأم با عمل شود و گرنه بذاته ممکن است از لحاظ تئوری یک فضیلتی برای انسان باشد ولی هیچ ارزشی عملی ندارد. به همین دلیل حضرت با توجه به تخصص هریک از شاگردانش آن ها را برای مناظره و بحث های علمی با دیگران معرفی می کردند و به این نحو از دانش آن ها استفاده می کرد به عنوان نمونه وقتی آن مرد شامی نزد امام آمد و گفت که می خواهم در علوم ادبی و عربی با تو مناظره نمایم، حضرت وی را به ابان ابن تغلب حواله کرد. وقتی که آن مرد گفت می خواهم در فقه با تو مناظره نمایم آن حضرت وی را به زراره ابن اعین ارجاع داد، وقتی آن مرد گفت می خواهم در زمینه امامت با تو مناظره نمایم حضرت وی را به هشام ابن حکم حواله داد (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲: ۴۰۷) از این روش در می یابیم که دانش آن وقت ارزش دارد که عملاً مورد استفاده قرار گیرد و الا ارزشی چندانی نخواهد داشت.

۳،۷. حفظ و نگهداری دانش در سیره امام صادق(ع)

یکی از عناصر مهم مدیریت دانش، حفظ و نگهداری دانش است. به این معنا که نباید دانش و

مهارت های قدیمی سازمان را دور ریخت و یا اینکه حتی دانش سازمان را در اختیار دیگران قرار داد (با این استدلال که دانش و مهارت های بشری در حال تغییر و تحول است) در سیره امام صادق(ع) توجه ویژه به حفظ دانش شده است و آن حضرت در موقعیت های مختلف شاگردان خود را به حراست و حفظ دانش از طریق کتابت توصیه نموده است از جمله آنجا که خطاب به مفضل ابن عمر می فرماید: « كُتِبَ وَبُثَّ عِلْمُكَ فِي إِخْوَانِكَ فَإِنْ مِتَّ فَوَرِّثْ كُتُبَكَ بَيْنِكَ فَإِنَّهُ يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ هَرَجَ مَا يَأْتَسُونَ فِيهِ إِلَّا بِكُتُبِهِمْ» (مجلسی، ۴، ۱۴۰۴: ۲۸) آن حضرت نه تنها که اعتقاد به دور ریختن دانش سازمانی ندارد بلکه می فرماید که دانش سازمانی را نباید در اختیار همه افراد سازمان قرار داد. امام صادق(ع) در بیانی می فرماید: «لیس احتمالُ امرنا التصدیق له والقبول فقط، من احتمال امرنا سترهُ وصیائتُهُ عن غیرِ اهلِهِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۹) این فرمایش حضرت به خوبی برای ما بیان می کند که نباید دانش سازمان را به سادگی از دست داد و ضایع کرد حتی نباید در اختیار همه افراد سازمان که قادر بر تحمل آن نیست قرار داد.

۳.۸. ارزیابی دانش در سیره امام صادق(ع)

یکی دیگر از عناصر مهم مدیریت دانش ارزیابی دانش است. واژه ارزیابی از نظر لغوی به معنی تعیین ارزش چیزی است (معین، ۱۳۷۱: ۱۹۹) به گفته برخی از صاحب نظران ارزیابی با دو واژه ارزشیابی و سنجش مترادف می باشد و نمی توان بین این سه واژه تفاوت معنایی و مفهومی قائل شد. ارزیابی مدیریت دانش به این هدف انجام می گیرد که معلوم گردد آیا به دانش مورد نیاز سازمان و جامعه توجه شده است یا نه؟ ارزیابی به مدیر کمک خواهد کرد تا حوزه هایی مدیریت دانش را که سازمان او در آن حوزه ها ضعیف است شناسایی نماید (وند آر، بوکوویتز، ۱۳۹۳: ۳۸) در واقع ارزشیابی وسیله پاسخگویی است. این مسئله در سیره امام صادق(ع) بخوبی دیده می شود، زیرا با

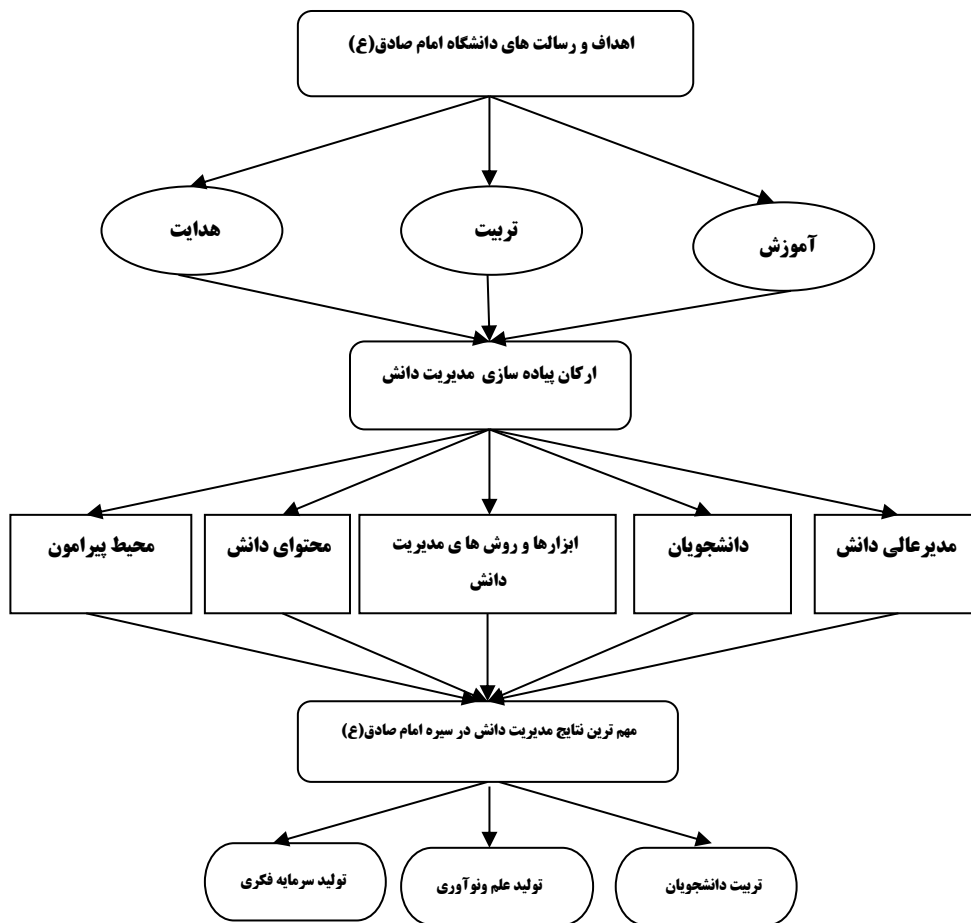
توجه به فضای فکری به وجود آمده در زمان امامت آن حضرت، جامعه اسلامی پذیرای افکار و اندیشه های وارداتی شد و زمینه و شرایط لازم برای طرح اندیشه های گوناگون فراهم آمد (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵۷) لذا حضرت با ارزیابی و تشخیص دانش های مورد نیاز جامعه و با استفاده از روش های صحیح علمی موفق شد شاگردانی بزرگ تربیت کند که هر کدام دارای تخصص های خاصی بودند تا بتواند آن ها پاسخ گویی نیاز های علمی جامعه باشند.

۳،۹. بازخورد گیری

فرایند ارزشیابی می تواند بازخوردهایی را فراهم آورد که مشخص سازند چه چیزهایی به اصلاح و بهبود احتیاج دارند؟ بازخورد گیری در واقع برای آگاهی از نتیجه عمل به کار می رود. این امر در سیره امام صادق (ع) بخوبی دیده می شود. آن حضرت با ارزیابی که از دانش مورد نیاز جامعه داشتند به این نتیجه رسیدن که نهضت علمی باید اصلاح شده و بر اساس دو پایه اصلی تعقل و تعبد قرار گیرد تنها تکیه بر تعبد کافی نیست. لذا از این زمان به بعد بود که رویکرد تکیه بر نقل حدیث تنها، تا حدودی به سوی تحلیل عقلی حدیث و اجتهاد در آن متمایل شد. زیرا همان اندازه که نادیده گرفتن تعبد- معنویت- به معنای شکست نهضت تولید علم است نادیده گرفتن تعقل و ابعاد عقلانی و عقلایی نیز بهره ای جز این نخواهد داشت. لذا امام جعفر صادق (ع) با استفاده از قرآن مجید به شناخت صحیح روش های علمی توفیق یافتند آن هنگام که حضرت در باره خدا و توحید بحث می کند می بینیم که خط گردش فکری او مطالعه طبیعت و پدیده های آن می باشد آن هم مطالعه ای عینی و حسی. مسلمین نیز با استفاده از روش علمی تحقیقاتی قرآن و امام جعفر صادق (ع) توانستند قدم در راه شناخت صحیح طبیعت بردارند و نخستین محصول این مکتب شاگرد امام صادق (ع) جابر بن حیان است که می توان به حق او را پدر شیمی لقب داد.

۴. الگوی مدیریت دانش در سیره امام صادق(ع)

همانگونه که الگو زیر نشان می دهد اهداف و رسالت های مهم سیره امام صادق(ع) در سه زمینه: آموزش، تربیت و هدایت جهت گیری شده است. بر اساس این الگو ارکان اصلی پیاده سازی اهداف و رسالت های دانشگاه آن حضرت عبارتند از :الف) مدیر عالی دانش؛ ب) دانشجویان(فراگیران)؛ ج) ابزارها و روش های مدیریت دانش؛ د) محتوای دانش؛ ه) محیط پیرامون یعنی محیط که در آن دانشگاه امام صادق علیه السلام در ارتباط با بخش های اجتماعی و فرهنگی جامعه نقش آفرینی می کند.



نمودارالگویی مدیریت دانش در سیره امام صادق(ع)

۵. ارکان پیاده سازی مدیریت دانش

در ذیل وضعیت مدیریت دانش در سیره امام صادق(ع)، شرایط کاری و نقش آفرینی ارکان پیاده سازی مدیریت دانش که پنج گروه هستند به صورت مجزا بررسی می گردد.

۵,۱. مدیر عالی دانش

از مدیر عالی دانش انتظار می رود که نقش پیش رو در شناساسایی، تولید و خلق، توسعه، انتقال و توزیع، ذخیره و اشاعه دانش به دانشجویان و جامعه داشته باشد. این کار از طریق شاخص های مانند: نو آوری های علمی، اختراعات و اکتشافات، طرح های پژوهشی و... قابل بررسی است. این ویژگی ها در سیره آن حضرت بسیار برجسته است زیرا از ویژگی های شخصیتی آن امام همام جامعیت در علوم مختلف بوده و عظمت علمی ایشان در فقه، تفسیر، کلام، فلسفه، جبر و شیمی و ... به صورت بارزی نمود یافته است (حسینی، ۱۳۸۵: ۷۷)

برخی از کتاب های منسوب به آن حضرت عبارتند از: کتاب التوحید که آن حضرت املا کرد و مفضل بن عمر آن را تحریر نمود (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳: ۱۵۲) رساله اهوازیه (پاسخ به والی اهواز) (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۶۴، ۲: ۴۸۵)، رساله فی غنائیم (پاسخ های حضرت در مورد خمس و غنائیم) (ابن شعبه، ۱۳۸۲: ۳۳۱)، نثر الدرر (که کلمات قصار حضرت در آن گردآوری شده) (آقا بزرگ تهرانی، ۱۳۶۴: ۱۰۹)، کتاب الحج که ابان بن عبدالملک آن را نقل کرده است، به جز موارد بیان شده نوشته های دیگری نیز به آن حضرت منسوب است (حسینی جلالی، بیتا: ۱۷۲) عظمت دانش امام صادق علیه السلام مورد قبول همه دانشمندان تشیع و تسنن است، فقها و دانشمندان بزرگ در برابر عظمت علمی آن حضرت سر تعظیم فرود می آوردند و برتری علمی و پیشرو بودن او را در تمام زمینه های

فوق الذکر می ستایند.

۵,۲. دانشجویان و فراگیران

از دانشجویان و فراگیران دانش انتظار می رود که هماهنگ با مدیر عالی دانش نقش فعالی در شناسایی، کسب و تولید، توسعه، تسبیح و انتقال، حفظ و ذخیره، و اشاعه دانش به جامعه داشته باشند. این امر از طریق شاخص های مانند: نو آوری ها علمی، اختراعات و اکتشافات، طرح های پژوهشی، و شرکت در سیمینارهای علمی و نظایر آن ها قابل سنجش است. این امر در سیره امام صادق(ع) به خوبی دیده می شود زیرا در مکتب آن حضرت افراد زیادی با تخصص های گوناگون تربیت شده اند که همه آن ها نو آوریها علمی بسیار خوبی داشته اند و منشأ آثار و برکات زیادی برای جامعه خود شده اند که در این مجال می توانیم به برخی از شاگردان خاص حضرت که به دلیل ویژگی های خاصی که داشته اند و مورد توجه حضرت بوده اند اشاره کرد که از جمله می توان اشخاص زیر را نامبرد: ۱- حمران ابن اعین شیبانی در قرآن و ادبیات؛ ۲- أبان ابن تغلب در علوم عربی و ادبی؛ ۳- زاره ابن اعین در مباحث و مسایل فقهی؛ ۴- مؤمن طاق در مباحث کلامی؛ ۵- حمزه بن محمد در مسئله استطاعت و قدرت انسان بر اعمال؛ ۶- هشام ابن سالم در مباحث توحید؛ ۷- هشام ابن حکم در مسایل امامت؛ ۸- جابر ابن حیان، در علوم تجربی و... (فاکر میبیدی، ۱۳۹۳: ۲۴)

۵,۳. محتوای دانش

یکی از مسایل مهم در مدیریت دانش محتوای دانش است. مرور در روایات امام صادق(ع) ما را به این نتیجه رهنمون می سازد که اصل اولی در تحصیل دانش توجه به علوم مختلف است چنانکه آن حضرت از پیامبر گرامی اسلام نقل می کند که فرمود: « اعلم الناس من جمع علم الناس الی علمه» (صدوق، ۱۴۱۳، ۴: ۳۹۵) در این حدیث می گوید کسانی که در علوم مختلف صاحب نظر باشند بسیار خوب است و این به عنوان یک ارزش معنوی به شمار آمده است. ولی با این حال در سیره آن

حضرت تخصص محوری به عنوان یک اصل دیده می شود. یعنی در سیره امام صادق(ع) تخصص افراد در دانش خاص به خصوص برای انجام مذاکرات و مناظرات علمی قابل توجه است. در این زمینه می توان به بر خورد امام صادق(ع) با یونس ابن یعقوب اشاره کرد. یونس می گوید در محضر امام صادق(ع) بودیم که مرد شامی آمد وارد شد و گفت من متخصص در فقه، کلام و فرائض هستم برای مناظره آمده ام.

امام صادق(ع) پس از گفتگو با وی رو به من کرد و فرمود: «یا یونسُ لو کنتَ تحسن الکلام کَلِمَتَهُ؛ ای یونس اگر کلام را خوب فراگرفته بودی باوی(مرد شامی) مناظره می کردی. سپس به من فرمود: نزد متکلمین برو ببین چه می گویند؟ من نزد حمران بن اعین، احول و هشام بن سالم رفتم که همگی خوب سخن می گفتن، نزد قیس بن ماصر رفتم که از همه بهتر سخن می گفت. چون مجلس مناظره بر قرار شد هشام ابن حکم که از همه ما جوان تر بود وارد شد در این هنگام امام صادق(ع) جا را برای وی باز کرد و در باره اش فرمود: «نَاصِرِنَا بِقَلْبِهِ وَكِلْسَانِهِ وَیَدِهِ» امام به هر کدام از حمران، هشام ابن سالم، احول و قیس بن ماصر دستور داد تا با مرد شامی مناظره نمایند و همگی بر آن مرد غالب شدند، سپس با مرد شامی گفت با این جوان یعنی هشام ابن حکم مباحثه نماید (کلینی، ۱۴۲۹، ۱: ۱۷۱) این سیره به روشنی برای ما اهمیت تخصص محوری در دانش را نشان می دهد و برای مدیران عالی دانش بیان می کند که آنها باید زمینه را برای تربیت متخصصان مختلف مورد نیاز جامعه اسلامی فراهم نمایند.

۵,۴. ابزارها و روشها

یکی از مسایل مهم در مدیریت دانش ابزارها و روشها است. امام صادق(ع) در مورد اهمیت روش می فرماید: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر طریق فلا تزیده سرعه السیر...» کسی که بدون بصیرت و دانایی به کاری دست زند مانند مسافری است که در بیراهه می رود، هر قدر بر

سرعت خود می‌افزاید، به همان نسبت از جاده دورتر می‌شود (حسینی، ۱۳۷۹: ۴۸) از روش‌های مهم مدیریت دانش حضرت امام صادق(ع) دانشجو (شاگرد) پروری بوده است تا آن‌جا که گفته‌اند در مکتب آن حضرت ۴۰۰۰ دانشجو پرورش یافته است که هر کدام از آن‌ها در حوزه‌های مختلف دارای رأی و نظر بوده‌اند (که به نمونه‌های از آن‌ها قبلاً اشاره شد) و دایم شاگردانش را توصیه‌ی به فراگیری دانش از طریق تعقل و تفکر می‌کردند.

از جمله آنجا که در منزلت ابوذر غفاری می‌فرماید «کان اکثر عباده ابی ذر التفکر و الاعتبار» بیشترین عبادت ابوذر اندیشه و عبرت‌اندوزی بود. در جای دیگر اولی‌الباب (خردمندان) را اهل تفکر معرفی کرده و فرموده است: «ان اولی‌الالباب الذین عملوا بالفکره» همانا اولوالالباب (خردمندان) آنانند که تفکر می‌کنند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲: ۲۵۶) امام صادق (ع) بدترین مصیبت را بی‌عقلی دانسته‌اند «اذا اراد الله ان یزید من عبد یخمه کان اول ما ینعیه منه عقله» وقتی خداوند بخواهد نعمتی را از بنده‌ای بگیرد اولین چیزی که در او تغییر خواهد داد عقل اوست است (محمدی‌ری شهری، ۱۳۸۴: ۲۴۵)

۵.۵. محیط بیرونی

در حوزه ارتباطات بیرونی و تأثیر محیط پیرامون می‌توان به مسئله نیازها و چگونگی ارتباط دانشگاه با جامعه و میزان وابستگی این دو با همدیگر اشاره داشت اگر این ارتباط به صورت پاسخگویی و تأمین نیازهای متقابل تعریف شده باشد می‌تواند در انگیزش دانشگاه برای توسعه نهاد های علمی و گسترش نظام مدیریت دانش تأثیر داشته باشد (مهر علی زاده، ۱۳۸۸: ۴۹) دانشگاه امام صادق(ع) ارتباطی بسیارخوبی با جامعه برقرار نموده و به نیازهای آن پاسخ می‌داد و شاگردان زیادی در رشته‌های مختلف آموزش دیدند و این حرکت در نوع خود نهضت بزرگ فکری و علمی بود که پس از رسول خدا تا آن عصر چنین نهضتی با آن عمق و گستردگی برای امامان پیش‌نیامده بود اگر

چه امام صادق(ع) در صحنه های مختلف حضور پر تلاش داشت ولی در آن عصر هیچ چیز مهم تر از انقلاب فرهنگی و نهضت علمی که پایه و اساس همه نهضت ها است نبود. لذا امام صادق(ع) با استفاده از فرصت پیش آمده اقدام به تاسیس دانشگاه برزگی نموده که در وسعت این دانشگاه همین بس که حسن بن علی بن زید و شا که از شاگردان امام رضا علیه السلام و از محدثان بزرگ بوده (و طبعاً سالها پس از امام صادق علیه السلام زندگی کرده) می گوید من در مسجد کوفه نهصد نفر استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد حدیث نقل می کردند (منصوری، ۱۳۵۸: ۱۵۴)

۱. مهم ترین نتایج مدیریت دانش در سیره امام صادق(ع)

۱,۱. تربیت دانشجویان و شاگردان

با توجه به فضای فکری به وجود آمده در زمان امام صادق(ع) جامعه اسلامی پذیرای افکار و اندیشه های مختلف شد و زمینه و شرایط لازم برای طرح اندیشه های گوناگون فراهم آمد و خیلی زود این شرایط پیامدها و آثار خود را نمایان ساخت (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۵۷) یکی از مهم ترین آثار و نتایج مدیریت دانش که در سیره امام صادق علیه السلام به خوبی مشهود است تربیت و پرورش دانشجویان و شاگردان متخصص در زمینه ها و موضوعات مختلف است.

آن حضرت در ارائه الگوی کامل علمی و تربیتی در عصر خود بی نظیر بوده اند همانگونه که قبلاً اشاره شد در دانشگاه آن حضرت ۴۰۰۰ دانشجو پرورش یافته است که هر کدام از آن ها در حوزه های مختلف دارای رأی و نظر بوده اند. البته امام صادق علیه السلام در تربیت شاگردان بر اساس مبانی و اصولی اقدام کرده است که برگرفته از وظیفه امامت بوده و متناسب با شرایط زمان و مقتضیات آن پیاده سازی شده است. به بیان بسیار مختصر امام بر طبق وظیفه شرعی و رسالت خود اقدام کرده است (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۶۴) و برای پیاده سازی اصول و مبانی دو اقدام مهم و اساسی انجام داده است اول تخریب انحراف ها، بدعت ها، افکار و عقاید غلط و...، دوم سازندگی با تربیت

شاگردان و احیای اسلام و مکتب محمدی و علوی به صورت بنیادی (حسنی، ۱۳۸۴: ۱۶۴) و آن حضرت دایم شاگردانش را توصیه به فراگیری دانش از طریق تعقل و تفکر می کردند.

۱,۲. تولید علم و نو آوری علمی

یکی دیگر از مهم ترین نتایج مدیریت دانش که در سیره امام صادق(ع) بخوبی دیده می شود، تولید علم و نو آوری علمی است. بدون شک امام صادق(ع) را می توان بنیان گذار علوم جدید و توسعه دهنده معارف اهل بیت(ع) خواند او با مدیریت خوب دانش در عین حال که بنیان گذار مکتب فکری جدید شد توانیست با استفاده از فرصت به دست آمده بین دو خلافت اموی و عباسی با تجهیز اندیشه به علوم روز سنگ تهداب پیشرفت های علمی آینده بشر را بگذارد. در سیره آن حضرت رویکرد تکیه بر نقل حدیث، تا حدودی به سوی تحلیل عقلی حدیث و اجتهاد در آن متمایل شده است و افراد زیادی با تخصص های گوناگون تربیت شده اند که همه آن ها نو آوری ها علمی بسیار خوبی داشته اند و منشأ آثار و برکات زیادی برای جامعه خود شده اند که از جمله می توان به افراد ذیل اشاره نمود: حمران ابن اعین شیبانی در قرآن و ادبیات؛ ابان ابن تغلب، در علوم عربی و ادبی؛ زاره ابن اعین، در مباحث و مسایل فقهی؛ مؤمن طاق، در مباحث کلامی؛ حمزه بن محمد، در مسئله استطاعت و قدرت انسان بر اعمال؛ هشام ابن سالم در مباحث توحید؛ هشام ابن حکم در مسایل امامت؛ جابر ابن حیان، در علوم تجربی و... (فاکر میبیدی، ۱۳۹۳: ۲۴)

۱,۳. تولید سرمایه انسانی

منظور از سرمایه انسانی، سطح دانش فردی کارکنان یک سازمان است که می توان در یگ نگاه دیگر این سرمایه را مشتمل بر توانایی ها، دانش، مهارت ها و تجربه فردی کارکنان و مدیران سازمان دانست. این سرمایه در واقع نمایان گر ذخیره دانش یک سازمان است که توسط کارکنان سازمان تجلی می یابد (حمیدی، ۱۳۸۸: ۱۵۰) سیره امام صادق(ع) در مدیریت دانش به خوبی حاکی این امر

است که آن حضرت در نهضت علمی خود توانسته است سرمایه انسانی بسیار کارآمدی را تربیت نموده و تحویل جامعه نماید.

در دانشگاه آن حضرت (ع) که اختصاص به علم خاصی نداشت و همه علوم و فنون رایج تدریس می شد نه تنها که پویایی و اثرگذاری اصل است بلکه تاکید بر کاربردی و پاسخ گو بودن به نیازهای عصری نیز اصل اساسی و شاخصه ی اصلی است. در واقع دانشگاه چهار هزار نفری آن حضرت تاکید است بر اصل فراگیری علوم و ایجاد فرهنگ سازی عمومی در همه دانش های تمدن ساز و موثر. از این روست که به شاگردان خود پاسخ هایی را می آموزد که متناسب با دانش های عصری آن روز است و به شاگردان تعلیم می دهد که روش پاسخ گویی می بایست با توجه به شرایط فردی و یا جمعی و نیز با هدف حل مشکلات و معضلات بشری باشد.

۲. جمع بندی و نتیجه گیری

در تحقیق پیش رو گفته شد که با مطالعه روایات و سیره عملی امام جعفر صادق(ع) می توان به این نتیجه رسید که امام صادق علیه السلام با توجه به قرار گرفتن در شرایط متفاوت از دیگر امامان معصوم علیهم السلام به عنوان یکی از شخصیت های که بیشترین تأثیر را در زمینه آموزش، تربیت و هدایت جامعه داشته اند توانسته است به بهترین وجه مدیریت دانش جامعه آن روز را بر عهده گیرد. در سیره آن حضرت گزاره های که امروزه از آن ها به عنوان عناصر بنیادین مدیریت دانش نامبرده می شود بخوبی قابل مشاهده است.

امام جعفر صادق(ع) با توجه به اهداف که داشته است نه تنها که توجه ویژه به عناصر همچون: شناسایی دانش، اکتساب و خلق دانش، توسعه دانش، توزیع دانش، بهره گیری از دانش مفید، حفظ و نگهداری دانش، ارزیابی و بازخورد گیری دانش داشته است؛ بلکه از مطالعه سیره قولی و عملی ایشان بدست می آید که خود دارایی الگویی خاص از مدیریت دانش بوده که از همین

طریق آن حضرت توانسته است به آموزش شاگردان بسیار کارآمد در علوم مختلف، تولید علم و نوآوری، و تولید سرمایه انسانی توفیق یابد. لذا لازم است که ما در سازمان های اسلامی به خصوص در بخش های آموزشی_ فرهنگی از الگویی آن حضرت پی روی نمایم و آن را سرمشق رفتار های خود قرار دهیم.

منابع و مآخذ:

- ۱) ابن شعبه، حسن ابن علی، (۱۳۸۲)، «تحف العقول»، ترجمه صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علی.
- ۲) ابن ندیم، محمد ابن اسحاق، (۱۳۸۱)، «الفهرست»، ترجمه رضا تجدد، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۳) تافلر، آلون، (۱۳۸۴)، «جابجای در قدرت»، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر سیمر.
- ۴) جواربچی، مهناز و عربلو، حمید، (۱۳۹۱)، «مجموعه مقالات مدیریت دانش» زیر نظر سید رضا صالحی امیری، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام- پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- ۵) ابن حجر عسقلانی، احمد ابن علی، (۱۴۰۴)، «تهذب التهذیب»، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- ۶) احمدی، علی اکبر و صالحی، علی، (بی تا)، «مدیریت دانش»، بی نا.
- ۷) آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۳۶۴)، «الذریعه الی تصانیف الشیعه»، بیروت: دارالاضواء.
- ۸) اکبری، محمود، (۱۳۷۸)، «نگاهی به شیوه های تبلیغی امام صادق (ع)»، مجله پاسدار اسلام، شماره ۲۱۸.
- ۹) امین عاملی، محسن، (۱۴۰۶)، «اعیان الشیعه»، ج ۱، بی نا.
- ۱۰) پتر سنگه و دیگران، (۱۳۸۳) «رقص تغیر، چالش های تغیر پایدار در سازمان های یادگیرنده»، ترجمه حسین اکبری و مسعود سلطانی، تهران: اول، ناشر: گروه پژوهشی صنعتی آریا.
- ۱۱) حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹)، «وسایل الشیعه»، قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث.
- ۱۲) حسنی، علی اکبر، (بی تا)، «تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام»، بی جا.
- ۱۳) حسینی (۱۳۷۹)، «تعلیم و تربیت اسلامی: مبانی و منابع و اصول»، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۴) حسینی جلالی، محمد رضا، (بی تا)، «تدوین السنه الشریفه»، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۱۵) حسینی، محمد حسین، (۱۳۸۵)، «جایگاه علمی امام صادق (ع)»، مجله مبلغان، شماره ۷۷.
- ۱۶) حمیدی زاده، محمد رضا (۱۳۸۸)، «شیوه ارتقا و توسعه ارزش های منابع انسانی برپایه توسعه مهارت های محوری»، فصلنامه مدیریت و منابع انسانی در صنعت نفت، شماره ۹.
- ۱۷) حیدر، اسد، (۱۹۶۹م)، «الامام الصادق والمذاهب الاسلامیه»، بیروت: دارالتعارف.

- ۱۸) خطیبی، محمد، (۱۳۸۶)، «حیات سیاسی امام صادق(ع)»، فصل نامه پیام، شماره ۸۵.
- ۱۹) دلشاد تهرانی، (۱۳۸۲)، «سیری در تربیت اسلامی»، تهران: نشر دریا.
- ۲۰) صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۳)، «من لایحضر الفیقه»، ج ۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- ۲۱) عبدالکریمی، مهوش، (۱۳۸۲)، «مدیریت دانش، فن آوری و خلاقیت و نقش آن در افزایش کارایی و اثر بخشی فرایند ها»، مجله پیام مدیریت موفق.
- ۲۲) غنی زاده، محمد، (۱۳۸۵)، «تحقق سازمان های دانش محور در گرو استقرار دولت الکترونیک است»، نشریه برنامه، شماره ۲۳۷
- ۲۳) فتال نیشابوری، محمد ابن احمد، (۱۳۶۶)، «روضه الواعظین»، ترجمه محمود دامغانی، تهران: نشر نی.
- ۲۴) قلیچ لی، بهروز، (۱۳۸۸)، «مدیریت دانش»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها(سمت).
- ۲۵) کلینی، محمد ابن یعقوب، (۱۴۲۹)، «کافی» ج ۱، قم: دارالحدیث.
- ۲۶) گیلبرت پروست و همکاران، (۱۳۸۵)، «مدیریت دانش» ترجمه علی حسینی خواه، تهران: انتشارات یسطرون.
- ۲۷) مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴)، «بحار الانوار»، جلد ۲، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- ۲۸) محقق حلی، جعفر بن حسن، (بی تا)، «المعتبر فی شرح المختصر»، قم: مؤسسه سید الشهداء.
- ۲۹) محمدی ری شهری، (۱۳۸۴)، «میزان الحکمه»، ترجمه شیخی، قم: دارالحدیث.
- ۳۰) مسعودی، علی بن حسین، (۱۳۷۴)، «مروج الذهب»، ج ۳، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی.
- ۳۱) مطهری، مرتضی، (۱۳۶۷)، «سیری در سیره ائمه اطهار(ع)»، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۲) مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴)، «مجموعه آثار»، ج ۱۸، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۳) مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲)، «مجموعه آثار»، ج ۲۴، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۴) مطهری، مرتضی، (۱۳۸۷)، «بیست گفتار»، تهران: انتشارات صدرا.
- ۳۵) مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، «الارشاد»، قم: انتشارات مؤسسه آل البیت.
- ۳۶) منصور، زبیب الله، (۱۳۵۸)، «مغز متفکر جهان شیعه»، تهران: انتشارات جاویدان.
- ۳۷) مهر علی زاده، یدالله و عبدی، محمد رضا، (۱۳۸۸)، «نظام مدیریت دانش»، تهران: دانشگاه شهید چمران.
- ۳۸) مهر علیزاده، (۱۳۸۴)، «جهانی شدن، تغییرات سازمانی و برنامه ریزی توسعه منابع انسانی»، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۳۹) وندی آر و همکاران، (۱۳۹۳)، «مدیریت دانش کاربردی» ترجمه علی حسین کشاورز و علی رضائیان، تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی(سمت).
- ۴۰) عقیقی بخشایش، عبدالرحیم، (۱۳۶۱)، «زندگانی امام جعفر صادق(ع)»، قم: انتشارات نسل؛

۴۱) رنجبر، محسن، (۱۳۸۵)، «مناظرات کلامی شیعه و نقش فرهنگ ساز ائمه» مجله شیعه شناسی، سال
چهارم، شماره ۱۶؛

۴۲) فاکر میبدی، محمد، (۱۳۹۳)، «سیره آموزشی امام صادق(ع)» مجله مطالعات اهل بیت شناسی، شماره
اول.